

الميزان خوانی جلسه بیست و ششم- تاریخ و سیره ائمه اطهار علیهم السلام - ۱۴۰۰/۲/۱۴

- بحثی پیرامون ابعاد مظلومیت اول مظلوم عالم امیرالمومنین علیه السلام
- امتیازات و فضائل منحصر به فرد حضرت و به فراموشی سپردن آنها توسط مردم بعد از شهادت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- مظلومیت حضرت در توطئه سقیفه
- مظلومیت ایشان در شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها
- مظلومیت در عدم اطاعت مردم در جنگها
- مظلومیت در تحمیل جنگها به ایشان
- مظلومیت تا چهل سال پس از شهادت و سبّ و لعن ایشان در منابر

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ"

بنا به قرار هر سه شنبه مون ما المیزان را داشتیم متاسفانه امروز به دلیل مشکلات فنی که پیش اومد نتونستیم در خدمتون باشیم و قرار شد که بنده به شکل آفلاین در خدمتون باشم منتها چیزی که می خوام عرض بکنم به دلیل تطابق مناسبت امروز ما می خواهیم که به شکل یک تحلیل تاریخی ابعاد مظلومیت حضرت علی علیه السلام را بیشتر باهاش آشنا بشیم و مطالبی که شاید کمتر به گوشتون خورده یا ناشناخته مونده انشاءالله تفسیر سوره فصلت را هفته دیگه در خدمتون باشیم.

نکته ای که هست ما شاید شنیدیم که حضرت علی علیه السلام اول مظلوم عالم هستند یک جمله هم توی زیارت نامه ها به گوشمون خورده "السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ، وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ صَبْرًا وَ وَاحْتَسَبَتْ حَتَّىٰ أَتَاكَ الْيَقِينُ" ما توی عقاید خودمون به شکل عقاید شیعی معتقد هستیم که حضرت علی علیه السلام بسیار مظلومند اما در واقع این هستش که حضرت علی علیه السلام مظلوم ترین بشر هستند. اگر ۸ میلیارد انسان رو در روی کره زمین الان به شکل فعلی تصور بکنیم و همه رفتگان رو و آیندگان رو اضافه کنیم به این مجموعه، عدد خیلی فراتر از این حرفاست شاید چندین میلیارد اضافه باید بشه و این هستش که حضرت علی علیه السلام بین این تعداد بشر و مخلوق مظلوم ترین انسان های روی کره زمین از ابتدای خلقت تا روز قیامت هستند، در واقع در تاریخ انسانیت ما مظلومی چون حضرت علی علیه السلام رو نداریم. بیایم شرایط رو و اوضاع زندگی حضرت علی رو همانطور که هست بررسی بکنیم برای همه مون این حقیقت مجسم میشه.

بیخود نیست که علامه امینی صاحب کتاب سترگ الغدير موقعی که کتابشون تموم میشه و این مجموعه تألیفی شون تموم میشه میگن الان فقط یک آرزو دارم، حالا اون حضاری که اطرافشون هستند چند تا سؤال از علامه می پرسند؛ آرزوی شما چی هست؟ علامه امینی میگن که من دوست دارم برم توی یک بیابانی تا آخر عمرم چادر بزنم و با خودم خلوت بکنم. آیا نماز قضا بخونید؟ خیر. قرآن بخونید؟ خیر. مشغول اعمال عبادی دیگه بشید؟ خیر. پس این آرزوی شما چیه؟ علامه میگن که فقط تا آخر عمرم واجبات را انجام بدم و تسبیحی در دست بگیرم و بگم مظلوم علی؛ خوب این خیلی یافته بزرگی هست توسط علامه امینی و بیخود و بی جهت نیست.

### بررسی شرایط زندگانی حضرت علی علیه السلام

بیایم شرایط زندگانی حضرت علی رو به این شکل بررسی بکنیم شاید کمی از این حقیقتی که علامه امینی بهشون دست یافتند ما هم دسترسی پیدا کنیم بهش.

حضرت علی علیه السلام می دونید این ها رو نخستین کسی هستند که بعد از حضرت خدیجه کبری مسلمون شدند یعنی به ندای حضرت پیامبر لبیک گفتند از همون اوایل بعثت ایمان آوردند؛ اولین کسی هستند که به حضرت پیامبر اقتدا کردند در نماز؛ تا هفت سال تنها کسانی که به حضرت پیامبر اقتدا می کردند حضرت علی

و حضرت خدیجه بودند در ملامت در جلوی چشم مشرکان با همه آزار و اذیت هایی که آنها داشتند؛ مورد بعدی این که حضرت علی علیه السلام اولین کسی هستند که مثل سایه همه جا دنبال حضرت پیامبرند، همه جا از ایشان دفاع کردند، جلوی آزار قریش رو خیلی جاها حضرت علی گرفتند؛ تنها کسی هستند که در یوم الانذار در برابر ۴۰ نفر از بستگان پیامبر در جلوی چشم آنها حضرت علی ایمن آوردند اعلام وفاداری کردند همونجا مورد تمسخر خیلی قرار گرفتند؛ تنها کسی هستند که در شعب ابوطالب شخصا از وجود پیامبر پاسداری می کردند مواظب بودند شبها رو نمی خوابیدند تا پیامبر جانسون تامین بشه حفظ جان بشن تا سه سال این برنامه ادامه داشت یعنی حضرت علی علیه السلام محافظ سرسخت جان پیامبر هستند؛ حضرت علی علیه السلام اولین کسی هستند که همراه حضرت پیامبر به طائف هجرت کردند اونجا باز هم مورد حمله دشمنان قرار گرفتند؛ تنها کسی هستند که در ليله المبيت به جای پیامبر خوابیدند؛ ببیند اینها رو که من دارم میگم اینا دونه دونه فضایل اولین هاست برای حضرت علی که برای هیچ مسلمانی در دین اسلام این فضایل و این اولین ها محقق نشده اینها را می خوام بگم آخرش به نتایجی می خوام برسم. تنها کسی هستند که در ليله المبيت به جای پیامبر خوابیدند بدون هیچ ترس و هراسی جان خودشون رو در خطر مرگ قرار دادند فقط به دلیل این که جان پیامبر در امان بمونه مصون بمونه؛ بعد از این شب دقیقا با تمام مردانگی و شجاعت به مسجدالحرام اومدند هرچی پیامبر اسلام دین داشتند همه رو ادا کردند امانت های مردم رو برگردوندند عهدهای حضرت رو وفا کردند؛ با فاطمه با فاطمه زهرا سلام الله علیها، فاطمه بنت اسد و فاطمه دختر زبیر رهسپار مدینه شدند و در هجرت به مدینه با پیامبر شریک شدند به پیامبر ملحق شدند؛ در تمام جنگ های کوچک و بزرگ حدود هشتاد و یک الی دو تا جنگ دارند پیغمبر در مدت بیست و سه سال، سیزده سال اول خب که جنگی اتفاق نیفتاده در مکه، چون قدرت و شوکتی نداشتند در اون ده سال مدینه حدود هشتاد و یک الی دو بعضاً تو تاریخ تو این اعداد اختلاف است در تمام جنگ ها به غیر از غزه تبوک، اون هم بنا به مصلحت هایی که خود پیامبر به حضرت علی فرمودند که شما باید در مدینه بمانید در تمام جنگ ها ایشون شرکت داشتند و تنها مرد میدان جنگ هستند مردانه می جنگیدند حتی تو بعضی از جنگ ها دهها جراحت داشتند دهها زخم بر بدن شون وارد می شد ولی باز هم حضرت پیامبر را تنها نداشتند حتی جنگ های بود که همه فرار کرده بودند و تنها کسی که کنار پیامبر بودند حضرت علی بودند؛ تنها کسی که هستند که در هر صحنه نبردی که حاضر می شدند واقعاً دشمنان می ترسیدند و مسلمانان وقتی حضرت علی را می دیدند بسیار امیدوار بودند در در صحنه های نبرد؛ تنها کسی هستند که همسر حضرت زهرا سلام الله علیها هستند این افتخار بسیار بزرگی است داماد پیامبر هستند چون هیچ کف دیگه ای غیر از حضرت علی برای حضرت فاطمه سلام الله علیها وجود نداشت خلق نشده بود و این حقیقت رو خیلی جالبه که سعد ابی وقاص در پیش معاویه بیان میکنه و خب سعد خیلی کارنامه درخشانی نداره و اتفاقاً چند جا هم با حضرت علی علیه السلام دشمنی های آشکار داره و حسادت بسیار زیادی نسبت به وجود ایشون وجود داره اما موقعی که جلوی معاویه حاضر میشه و اعتراف اینجوری میکنه که حضرت علی علیه السلام چند تا فضیلت دارند که هیچ کس در عالم با حضرت علی شریک نیست در این فضیلت ها اول اینکه ایشون اول مسلمان هستند دوم اینکه فاتح خیبرند سوم اینکه همسر حضرت زهرا سلام الله علیها هستند، خب این خیلی فضیلت بزرگی هست برای حضرت؛ حضرت پیامبر بارها و بارها حضرت علی رو به عنوان وزیر، جانشین و امام بعد از خودشون به مردم

معرفی کردند از همان ابتدای بعثت تا عید غدیر تا ایام بعد از غدیر بارها و بارها حضرت رو به عنوان وصی، وزیر و خلیفه بعد از خودشان معرفی کردند. بعد می‌بینیم که تنها کسی هستند که پس از رسول خدا از همان لحظه که خبر شهادت حضرت پیامبر به گوششون میرسه طبق وصیت حضرت رسول مشغول تجهیز غسل و کفن و نماز و تدفین حضرت پیامبر هستند و تنها کسی که موفق به این امور شدند حضرت علی علیه السلام هستند غسل و تدفین و کفن اینها. از همون لحظه حق مسلم شون ضایع میشه؛ خلافت رو در سقیفه بنی ساعده غصب میکنند اینا خودش ماجراهای جداگونه داره کتاب های جداگونه باید درباره‌اش واقعا شرح داده بشه من تو این مجال نمیخوام به این مباحث کناری بپردازم.

حضرت بیست و پنج سال خانه نشین میشن از اینجا به بعد رو به این شکل عرض بکنم این همه فضیلت گفتیم اولین اولین منتها از همان لحظه شهادت حضرت پیامبر حضرت علی مورد حمله دشمنان چه زبانی، چه غصب حق و حقوق، چه توهین همه اینها رو ایشون متحمل میشن بیست و پنج سال خانه نشین میشن جسارت به اهل بیت حضرت میشه درب خانه اش رو می سوزوند همسرش رو مقابل چشمان خودش و فرزندانش می زنند بچه زاده نشده حضرت رو می کشند ارث حضرت زهرا رو که فدک باشه و چندین باغ که جزو ارث حضرت زهراست از ایشون می گیرند با یه چند تا حدیث ساختگی اینها ماجراهای جدایی داره و وجهه شرعی به این خیانتشون میدان تمام زحمات حضرت رو در واقع با چند روز فاصله بعد از حضرت پیامبر به حضرت پاداش میدن. یه جمله حضرت دارند می فرمایند که "صبر کردم در حالی که به کسی می ماندم که خاشاک چشمش را کور کرده و استخوان راه گلویش را گرفته با چشم خود می دیدم که میراثم را به غارت میبرند." منظور از میراث بحث ولایت و حکومت هست.

یه جمله دیگه دارن "ما زلت مظلوما منذ قبض الله تعالی نبیه الی یوم الناس" از روزی که پیغمبر خدا بدرود حیات گفت و قبض روح شد تا امروز همیشه مظلوم هستیم.

### **بیان مظلومیت حضرت علی علیه السلام از دیدگاه اهل سنت**

حالا این مظلومیت را ما بیایم از زبان بزرگان اهل سنت بشنویم حاکم نیشابوری یکی از بزرگان حدیث اهل سنت هست می فرمایند که حاکم مینویسه توی کتاب خودش، که حضرت علی علیه السلام فرمود از رسول خدا شنیدم که می فرمود "ای علی امت به زودی بعد از من به تو حيله و غدر می کنند و زندگانی تو بر ملت و آیین من است و برای حفظ سنت من می جنگی ای علی هر کس که تو را دوست داشته باشد مرا دوست داشته است و هر کس که با تو دشمنی بکند با من دشمنی کرده است همانا به زودی محاسن تو از خونه سرت رنگی میشود." یکی از روزها حضرت علی علیه السلام برای مردم سخن می گفتند یه مرد عربی وارد مجلس شدند و گفتند وای از ظلمی که به من شده است؛ امام علیه السلام فرمود جلو بیا. وقتی آن مرد عرب نزدیک امام آمد آن حضرت فرمود ای مرد عرب به اندازه شن ها و ریگ ها و کرک حیوانات به من ظلم شده است.

دوباره در حدیث دیگره ای همین مضمون هست، عربی در مسجد کوفه بر امام وارد شد گفت مظلومم. حضرت به او فرمود جلو بیا، مرد عرب جلو آمد فرمود چه می گویی؟ گفت یا امیرالمومنین مظلومم. فرمود باز هم جلو بیا، مرد عرب جلو آمد به قدری که حضرت دست خود را روی زانوی او گذاشت و فرمود: چیست آن ظلمی که بر تو شده؟ مرد عرب از ظلمی که بر او شده بود لب گشود و شکایت کرد. سپس حضرت فرمود ای مرد عرب من از تو بیشتر مورد ظلم قرار گرفته ام به من به مقدار خاک ها و موهای حیوانات ظلم شده است خانه ای در عرب نیست جز این که مظلومه من بر آنهاست من همیشه مظلوم بوده ام تا همینجا که نشسته ام.

روایت دیگره ای از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هست ای علی بترس از حقه ها و کینه هایی که در سینه افرادی هست که تا من زنده ام اظهار نمی کنند و پس از مرگ من آن کینه ها را اظهار خواهند کرد خداوند آنها را لعنت می کند و تمام لعنت کنندگان عالم آنها را لعن خواهند کرد، بعد پیامبر شروع به گریه می کنند کسی عرض کرد برای چه گریه می کنید؟ فرمود جبرئیل مرا خبر داده که آن قوم به او ظلم می کنند از حق خودش او را منع می کنند و با او می جنگند بچه هایش را می کشند و در حق فرزندان پس از خودش هم ستم روا می دارند.

ابن ابی الحدید تعبیر زیبایی داره ابن ابی الحدید شارح بزرگ نهج البلاغه هست و یکی از سوال های بزرگی هست که واقعا ایشون با همه اشرافی که به تاریخ زمان حضرت علی دارند و شرح زیبایی که بر نهج البلاغه دارند خودشون سنی مذهب هستند معتزلی هستند و معروفند به ابن ابی الحدید معتزلی؛ حالا من گزارش رو از ایشون دارم نقل می کنم؛ رسم عرب بر این بود که هرگاه کسی از آنها کشته می شد انتقام خون او را باید از قاتلش می گرفتند و اگر آن قاتل میمرد یا نمی توانستند خون مقتول رو از او مطالبه کنند از کسی که به او از همه نزدیکتر بود انتقام می گرفتند این عادت سیئه و این روش احمقانه در مورد پیغمبر و علی علیه السلام هم مصداق پیدا کرد زیرا که رسول خدا برای پیشبرد اسلام هر خونی از ناپاکان که کانع و سد راه خدا بود به وسیله شمشیر علی علیه السلام و دیگران ریخت و چون نتوانستند از پیامبر خدا انتقام بگیرند تمام عقده ها و کینه ها خود را در برابر خون ناپاک اجداد مشرک خود بر سر علی علیه السلام ریختند و از او انتقام گرفتند زیرا کسی غیر از علی بن ابیطالب به پیامبر اکرم نزدیک تر نبود تا بتواند آن خون های ناپاک را انتقام بگیرند لذا بغض ها عداوت ها و کینه های درونی بیست و سه ساله بعثت تا وقت بدرود حیات گفتند پیامبر اکرم را بر سر علی خالی کردند آنچه که نباید می کردند. این گزارش ابن ابی الحدید هست. دوباره ابن ابی الحدید می گوید از ابی جعفر یحیی ابی زید سوال کردم من تعجب میکنم که چطور دل های عرب از کینه علی شعله ور بود باز هم علی زنده ماند و توانست سی سال پس از رسول خدا بماند و آنها او را نکشتند؟ در پاسخ به من گفت آری علی علیه السلام مشی خود را عوض کرد شمشیر را کنار گذاشت در خانه نشست سر بر خاک نهاد مشغول نماز و عبادت شد و مانند بیابان گردان و راهبین گردید و مردم رفتند به سراغ آنهایی که انتخاب کرده بودند و آنها هم انگیزه هایی برای قتل علی علیه السلام نداشتند لذا علی علیه السلام مصون و محفوظ ماند و اگر نبود این حالت، او کشته می شد.

یکی دیگه از مظلومیت های حضرت علی در بحث سقیفه بنی ساعده هستش دقیقا بعد از شهادت حضرت پیامبر اینکه میگم شهادت اسناد متفن و محکمی رو داریم که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیدند اینها خب در جای خودش باید بحث بشه و اسنادش تحلیل و بررسی بشه اینجا مجالش نیست همینقدر بگم که حضرت علی علیه السلام بعد از شهادت پیامبر اکرم بعد از اون جلسه ای که در سقیفه تشکیل دادند حقشون غصب شد تمام امتیازاتی که من براتون شمردم نادیده انگاشتند و آن حضرت پس از ۲۵ سال از ماجرای سقیفه در یکی از خطبه هایی که پس از شهادت محمد بن ابی بکر که تربیت شده خود حضرت علی علیه السلام هستند موقعی که محمد رو حضرت به حکومت مصر می گمارند منتها قبل از این که این محمد بن ابی بکر به مصر برسه در بین راه به طرز فجیعی به شهادت می رسه حضرت علی یه خطبه ای رو پس از این ماجرا ایراد می کنند پرده از این حقیقت ۲۵ ساله رو تو این خطبه برمیدارند و چنین می فرمایند: نگاه کردم دیدم که برای گرفتن حق خود یاوری جز خاندان خویش ندارم و اگر اقدام می کردم همه کشته می شدند لذا به مرگ آنان راضی نشدم چشم های پر از خاشاک را فرو بستم و با همون گلوبی که گویا در آن استخوانی گیر کرده بودجرعه حوادث را نوشیدم و با اینکه تحمل گلو گرفتگی و نوشیدن جرعه حوادث از حنظل هم برای من تلخ تر بود اما شکیبایی کرده و صبر نمودم. خیلی عبارت کوتاه و مختصری هست اما حکایت از عمق فاجعه و شدت ناراحتی داره این طور نبوده که حضرت بگذارد حقش را به راحتی به یغما ببرند و او ساکت باشد بلکه می بیند که یار و یاوری ندارد تا به کمک آنان حق خودش رو پس بگیرد پس اگر کسانی مثل ابن ابی الحدید میگن که علی علیه السلام اولی به حق خلافت بود احق به خلافت بود اما به خاطر مصلحتی که میدید دست از خلافت کشید و همین خطبه رو ما در جوابشون خیلی راحت میگیم که دست از خلافت نکشیدند بلکه نگذاشتند که به خلافت برسند، یار و یاوری هم نداشتند که این خلافت رو به دست بگیرند چون بر اسلام که عزیزتر از جان شون بود می ترسیدند سکوت اختیار کردند شاهد بر این مدعا هم اینه که عمر برای کنار زدن امام امیر مومنان علی علیه السلام و محکم شدن خلافت ابوبکر تمام تلاشش رو کرد و همه آنهایی را که احتمال می داد که مخالف با ابوبکر باشند را سرکوب کرد یه نمونه اش یه نمونه اش قبیله مالک بن نویره چند روز اول خلافت ابوبکر چونکه بعد از غدیر همه اون قبایل پراکنده شده بودند هر کسی به دیار خودش برگشته بود اونهایی که اهل مدینه بودند به مدینه برگشته بودند اونهایی که مال قبایل اطراف بودند همچنین، مال شهرهای اطراف بودند یمنی ها به یمن رفته بودند اهل مکه به مکه برگشته بودند و همه صحنه غدیر رو در ذهنشون بود یا مستقیم و غیر مستقیم شنیده بودند و مطمئن بودند که حضرت علی علیه السلام خلیفه بعد از پیامبر هستند منتها وقتی که توطئه سقیفه انجام شد برای این که اون ذهن های مردم از آن قضیه پاک بشه خود ابوبکر و عمر گماشتگانی را به اطراف فرستادند و با اعلام این که ابوبکر خلیفه بعد از پیامبر هست مردم را به زور وادار کردند که زکات بپردازند یکی از این گماشته ها خالد بن ولید هست که این خالد برای خودش ماجرای داره و به جعل و به کذب لقب سیف الله المسلول رو به این ملعون دادند کسی هست که با دیدن نماز خوف پیامبر به ظاهر مسلمان شده کسی هستش که در جنگ احد خون به دل پیامبر کرده خلاصه که خیلی سبقه در واقع دهشتناکی داره خالد و حتی بعد از اینکه مسلمان شد و در خدمت خلفا بود هم اعمال ناشایستی رو انجام داده. مالک بن نویره به رئیس یکی از قبایل اطراف مدینه است چند روز بعد از خلافت ابوبکر خالد رو میفرستند برای گرفتن زکات و اعلام اینکه

ابوبکر خلیفه هست نه حضرت علی، مالک با شنیدن این قضیه مخالفت میکنه و میگه ما خودمون با حضرت علی در روز عید غدیر بیعت کردیم خلیفه حضرت علی هست و من به شما زکاتی نمیدم خالد خود مالک رو و ۱۲۰۰ نفر از اعضای قبیله ش رو در مدت یک روز همه رو میکشه و سر میبره یکی از این جنایات خالد هست فقط به جرم این که زکات نداده و همسر مالک که لقب جمیله عرب رو داره مورد ظلم و تعرض خالد قرار میگیره زنی که یک شبه شوهرش رو از دست داده و وقتی خالد با این دستاورد بر میگردد پیش ابوبکر جالب هست که اینجا عمر اعتراض میکنه به خالد که کسی که زکات نداده کافر نمی شه که شما همه رو به کشتن دادید مهدور الدم حساب نمیشه و اینکه شما به زنی که یک شب فقط از کشته شدن شوهرش گذشته و بیوه شده تعرض کردی و اینجا ابوبکر عمر رو ساکت می کنه و می گه که از گناه خالد بگذر در واقع عمر می خواست که خالد رو به سزای عملش برسونه و ابوبکر مانع میشه این یکی از اون مواردی هستش که میتونیم اثبات بکنیم که حضرت علی ساکت نشستند که حقشون رو بگیرند در واقع نگذاشتند که ایشون حق شون رو به راحتی بگیرند و یار و یآوری هم نداشتند و اینها با زور و اعمال خشونت و لشکرکشی مردم را ساکت کردند پس یکی از اون سرکوب هایی که اتفاق افتاد در تاریخ سرکوب مخالفان ابوبکر یکیش همین هست و چندین مورد مشابه.

عمر همون کسی هستش که پایه های خلافت ابوبکر رو محکم کرد مخالفین او را درهم شکست شمشیر زبیر رو موقعی که از غلاف کشید اینم یه چیزی بگم اینجا زبیر شخصیت بزرگی داره در تاریخ اسلام از اقوام نزدیک حضرت علی هست پسر عمه حضرت علی علیه السلام هست زبیر و جزو کسانی هستش که با ابوبکر بیعت نکرده جزو اون نه نفر مخالفی هستش که در خانه حضرت زهرا تحصن کردند و حتی شمشیر کشیدند با اون فرستادگان عمر که بتونند از حق حضرت زهرا دفاع بکنند متأسفانه زبیر توسط پسرش عبدالله به انحراف کشیده شد و خب حضرت علی خیلی به ایشون ارادت دارند و داشتند حتی بعد از کشته شدنش در جنگ جمل هم حضرت علی براشون گریه کردند. بماند وقتی که شمشیر زبیر رو وقتی که از غلاف کشیده و در مقابل اون فرستادگان عمر اعتراض میکنه که خلافت باید به اهلش برسه عمر شمشیر زبیر رو میشکنه و به سینه مقداد میکوبه سعد بن عباده رو که یکی از این معترضان هست جزو اون نه نفره متحصن در خانه حضرت زهرا هست رو در سقیفه زیر لگد میگیره و میگه سعد را بکشید که خدا او را بکشد و بینی حباب بن منذر را له میکنه میکوبه به صورتش و عمر هستش که هاشمیون رو وقتی که در خانه حضرت فاطمه پناهنده هستند و متحصن هستند تهدید میکنه اونها رو از خانه خارج میکنه به زور و این هتک حرمت ها حدود یک ماه طول میکشه اینجوری نیست که تهدید مثلاً یک روز باشه و درب خانه حضرت زهرا آتش گرفته باشه چندین بار این تهدیدها اتفاق افتاده در طول یک ماه چندین بار هیزم چیده شده تهدید شده به آتش زدن و در مرحله آخر این اتفاق افتاده چندین بار متحصنین داخل منزل حضرت زهرا کتک خوردند به زور از خانه اخراج شدند و در وهله آخر که این ها رو از خانه خارج کردند درب خانه را آتش زدند. اگر عمر نبود کار ابوبکر رو به راه نمیشد پس هر کس که ببیند ما الان شرایط رو داریم برای شما ترسیم میکنیم هر کسی که اظهار یاری کرده با امام علی علیه السلام یا احتمال می دادند حتی که میخواند امام را یاری بکنه سرکوب می کردند.

در جامعه تحقیر می کردند این فرد رو، مفتضح می کردند و حتی برچسب های گوناگون رو به این افراد می زدند چند تا نمونه بگم جناب ام سلمه همسر بزرگوار پیامبر اسلام که بعد از حضرت خدیجه بی شک با فضیلت ترین

همسر پیامبر هستند جناب ام سلمه وقتی که اعتراض می‌کنند به ابوبکر برای غصب خلافت، عمر دستور میدهد که ام سلمه رو به مدت یک سال از درآمد بیت المال محروم بکنند و این بزرگوار به سختی روزگار می‌گذروند فقط به دلیل اعتراض به غصب خلافت.

نمونه دیگر اسماء هست جناب اسماء بنت عمیس جالب بدونید که در این هنگام غصب خلافت همسر ابوبکر هست یعنی کسی که الان زن خلیفه محسوب میشه و اعتراض میکنه حدیث میاره چون جز بانوان محدث هست ما حدود چهل حدیث رو از اسماء بنت عمیس داریم خیلی بانوی بزرگواری هست و در سر سلسله احادیث اهل بیت به این بانوی بزرگوار ما میرسیم که حدیث از ایشان نقل شده وقتی هم که باز اسماء اعتراض میکنه مورد شماتت، تحقیر و جریمه قرار میگیره توسط عمر و ابوبکر. پس این جور نیست که ما بگیم که خیلی راحت بگیم که حضرت علی نخواستند که مثلاً کاری بکنند تلاشی بکنند نه نداشتن که این اتفاق بیفته هر کسی هم که خواست دفاع بکنه به نوعی سرکوب شد در واقع حضرت رو تنها گذاشتن و باعث شدند که تمام اون اطرافیانی که حمایت می‌کردند مجبور شدند که حضرت علی را تنها بذارند.

یکی دیگر از ابعاد مظلومیت حضرت علی این هست در واقع بارزترین صورت مظلومیت این هستش که پس از شهادت حضرت در سال ۴۱ به مدت چهل سال در منابر اسلام از شامات بگیریید تا حتی بیایم در شهرهای حجاز تا حتی بیایم توی عراق که ادعای علی دوستی می‌کردند اما به اجبار، حضرت رو سب و شتم می‌کردند در خطبه های نماز جمعه، بدترین و زشت ترین اهانت ها رو به مقام شامخ حضرت امام المتقین پسر عم رسول خدا با اون فضایی که من چند تاش رو برشمردم اولین مسلمان، داماد پیامبر، اولین کسی که هفت سال فقط و فقط ایشان اقتدا کردند به نماز پیامبر، تنها کسی هم که در ليله المبیت جان خودشون رو به خطر انداختند و فضیلت های دیگر همه این امتیازات رو کنار گذاشتند چهل سال در منابر در خطبه های نماز جمعه بدترین و زشت ترین اهانت ها را به مقام شامخ مولی الموحدين امام المتقین روا داشتند، زوج همسر حضرت فاطمه، ابوالسبطين ببینید اینا همه فضایل علی علیه السلام هست، می‌گیم سبطين شباب اهل جنت که مربوط به حسنین هست در احادیث اهل سنت این لقب سبطين زیاده. نه از خدا ترسیدند نه از خلق خدا ترسیدند نه خجالتی کشیدند با کمال وقاحت بدترین دروغ ها رو درباره حضرت روا داشتند تا جایی که این عمل شیطانی ببینید اوج مصیبت اینجاست یک دروغ یک عمل شیطانی یک وقاحت تبدیل به یک عمل حسنه و سنت الهی شد نمازی به پایان نمی رسید مگر اینکه در دعاهاشون لعن و سب به آن اسوه علم و تقوا روا می‌داشتند.

جالبه که خود حضرت در یک خبر غیبی در زمان حیاتشون هشدار داده بودند من براتون فارسیش رو ترجمه اش رو میخونم، می‌فرمایند که " آگاه باشید که پس از من مردی با گلوی گشاده و شکمی بزرگ بر شما مسلط می‌شود که هرچه بیابد می‌خورد و به دنبال آن چیزی را که ندارد به دست می‌آورد او را بکشید ولی هرگز نمی‌توانید او را به قتل برسانید آگاه باشید که به زودی او شما را به بیزاری و بدگویی نسبت به من وادار می‌کند شما برای نجات خود در برابر دشمن مرا بدگویی کنید که برای من پاکی به بار می‌آورد و برای شما نجات خواهد بود اما از من بیزاری و برائت هرگز مجوید که من بر فطرت توحید متولد شده ام و در ایمان و مهاجرت از همه پیشقدم تر بوده ام."



معاویه لعنت الله عليه يه بخشنامه‌ای میفرسته در مورد سب و لعن به امام علی علیه السلام که این بخشنامه این هستش که در زمان حکومت خودش بر فراز منبر تمام عمال معاویه که در بلاد اسلامی هستند باید بر فراز منبر ها حضرت را لعن بکنند. پیامبر فرمودند " کسی که علی علیه السلام را دشنام بدهد مرا دشنام داده کسی که مرا دشنام بدهد خدا را دشنام داده کسی که خدا را دشنام بدهد خدا او را به رو در آتش می افکند."

ابن حجر عسقلانی یکی دیگه از مورخین و محدثین اهل سنت که ما از این شخص دشمنی‌هایی رو دیدیم نسبت به اهل بیت، اما یک جایی حقیقت رو میگن یه جمله ای میگن، میگن که دشنام دهندگان به صحابه پیامبر دجال و ملعونند. ما باید از این ابن حجر بپرسیم آیا امام علی که اولین مسلمان هستند صحابی نیستند؟ آیا خلیفه ی پیامبر نبودند؟ آیا وقتی که شما ابن حجر که معاویه را مجتهد و محترم می شمیرید چون ابن حجر یکی از کسانی هستش که معاویه رو براش اجتهاد قائل است و بسیار احترام میزاره به معاویه وقتی که معاویه به حضرت علی که صحابی بزرگوار پیامبر هست دشنام میداد و مردم رو به لعن بر آن حضرت وادار می کرد در نظر شما باز هم این معاویه محترمه؟ آیا اگر دیگران به اصحاب پیامبر دشنام بدند و سایر صحابی دجال و ملعونند اما معاویه و عمروعاص و ابوهریره به امیرالمومنین دشنام بدند اشکالی نداره؟

یکی دیگه از موارد مظلومیت جنگ صفین هست. میدونید دیگه ما سه تا جنگ داریم حضرت علی از دید کلامی ما شیعیان خب نزدیک به سی سال امامت کردند اما چهار سال و چند ماه خلافت کردند از دیدگاه اهل سنت که حالا میگن فقط چهار سال و دو سه ماه. تصور بفرمایید چهار سال و دو سه ماه اولین جنگی که به ایشون تحمیل میشه جنگ جمل هست که سردسته های این جنگ عایشه هست طلحه و زبیر که اینها به قصد خونخواهی عثمان این جنگ رو راه میندازن حضرت علی را متهم به قتل عثمان می کنند در حالی که حضرت علی جزو حامیان در مقابل اون محاصره خانه عثمان هستند و خود طلحه و زبیر و عایشه دقیقاً تحریک کنندگان به قتل عثمانند. در جنگ جمل حدود هفتاد هزار نفر را به کشتن می دهند چه از سپاه امام علی و البته تو تاریخ میگن از ده هزار تا هفتاد هزار حالا عدد رو دقیق نمی تونیم بگیم هم از سپاه امام علی هم از سپاه خودشان هفتاد هزار نفر را به کشتن میدن البته این جنگ حدود سه چهار روز طول میکشه. جنگ دوم جنگ صفین هست شما تصور کنید چهار سال و چند ماه هست جنگ صفین حدود چهارده ماه طول میکشه یعنی از این چهار سال فقط چهارده ماهش میره برای جنگ صفین، بیست و پنج هزار نفر در این جنگ کشته میشن یعنی بیست و پنج هزار نفر در واقع از یاران امام علی شهید میشن و تعداد زیادتری هم از سپاه مقابل. چند تا از یار خاص حضرت علی در این جنگ شهید می‌شن از جمله عمار یاسر از جمله اویس قرنی خیلی ها خیلی ها از این صحابه کشته میشن در این جنگ که پیامبر خودشون می فرمایند به عمار که "یا عمار تقتلك الفئة الباغية" عمار قوم ستم پیشه تو را خواهند کشت. یک بار یکی از سپاهیان معاویه به هاشم به هاشم مغار یکی از اصحاب امیرمومنان می‌گه جنگ ما با شما به این دلیل است که دوست شما علی نماز نمی خواند و خود شما هم نماز نمی خوانید. ببینید اوج مصیبت کجاست که معاویه یک سپاهی رو و یک لشکر انبوهی رو فراهم آورده به این بهانه که حضرت علی نماز نمی خونه و باهاش جنگیده.

ابن عساکر ابن عساکر دمشقی بازهم از اهل سنت هست تاریخ مدینه دمشق رو در باب فضائل حضرت علی علیه السلام نوشته و این حدیث را نقل میکنه، میگه رسول خدا فرمود "ملائکه هفت سال بر من و علی صلوات می فرستادند چراکه همراه من کسی غیر از او نماز نمی خواند. چطور ممکنه کسی که تنها اقتدا کننده به پیامبر در مدت هفت سال باشه نماز نخونه و این بشه دلیل جنگ معاویه با حضرت.

دوباره حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک خودش خطیب بغدادی در تاریخ بغداد خودش و ابن عبدالبر ابن عبدالبر در کتاب الاستیعاب چنین آوردند که رسول خدا فرمودند "اولین کسی که از میان شما در حوض کوثر بر من وارد خواهد شد همان کسی است که به عنوان اولین فرد ایمان آورد و او علی بن ابیطالب علیه السلام است" بسیاری از صحابه مثل انس بن مالک، زید بن القیم، عبدالله بن عباس، عمر بن خطاب اگر جزو صحابه حساب بکنیم همه نزد اهل سنت مورد احترامند جایگاه ویژه دارند این روایات رو این هایی رو که عرض کردم رو خودشون نقد کردند اعتراف کردند که حضرت علی اولین مسلمان هست اولین نماز خون هست و اولین کسی هستند که بگذریم.

یه مطلب دیگه رو هم در همین باب من خدمتون عرض بکنم خود حضرت در نهج البلاغه خطبه سه صراحت دارند به اینکه می فرمایند "من در طول خلافت خلفا صبر پیشه کردم در حالی که خار در چشمم و استخوان در گلویم مانده بود." در خطبه دویست و هفده می فرمایند "خدایا مرا در برابر توطئه قریش یاری فرما و رحم مرا قطع کردند اجماع کردند که با من بجنگند گفتند بعضی از حقوق است که باید انسان بگیرد و بعضی از حقوق است که باید صرف نظر کند سپس به من گفتند یا به صورت غمناک صبر کن یا از غصه بمیر فاصبر مغموماً أو متأسفاً."

حضرت علی علیه السلام در کنار جنازه مطهر حضرت صدیقه طاهره عرضه می دارند که "در فراق فاطمه زهرا صبر و بردباری من کم شده است و توان خویشتن داری از دست رفته است حزن من جاودانه است و شبهای من با شب زنده داری به سر میشود." ایشان یه لقبی دارند توی گزارشات تاریخی به نام اصبر صابرين یعنی صبورترین صابران چه به روز حضرت میارن که در شهادت حضرت زهرا می فرمایند صبر من تمام شده است.

در جنگ صفین ابن عباس میگوید یا علی می خواهم امشب حنایی درست کنم و ریش و سر مبارکتان سفید شده است می خواهم به آن خضاب کنم، سی سال از شهادت حضرت زهرا گذشته این زمانی که ابن عباس داره به حضرت چنین پیشنهادی میده، امیرالمومنین می فرمایند "ابن عباس مگر نمی دانی که ما هنوز در مصیبت حضرت فاطمه عزاداریم عزادار که خضاب نمی کند." امیرمومنان علیه السلام فرمودند که "تعجب می کنم که باطل در مسیر باطلش آن همه استوار محکم منظم و موفق است ولی اهل حق در مسیر حق بی برنامه سست زبون و غیر موفق هستند." اوج مظلومیت حضرت رو میسونه. می فرمایند که "من حاضر بیست نفر از یاران خودم را بدهم و یکی از یاران معاویه را بگیرم." در روزهای آخر می فرمایند که "در سراسر جهان معمولاً شهروندان از ظلم حاکمان می ترسند و وحشت دارند ولی من از ظلم شهروندان و مردم می ترسم و وحشت دارم." این نهایت مظلومیت حضرت علی و ضعف کسانی است که در اطراف امیرالمومنین علیه السلام جمع شدند.

یکی دیگه از از مظلومیت های حضرت این هستش که تو همون ایام مریضی حضرت زهرا روزهای آخر حضرت وارد منزل میشن میبینن که حضرت زهرا دارن گریه می کنند از ایشون علت گریه را می پرسند حضرت زهرا می فرمایند که حضرت زهرا می فرمایند که "شنیدم که مردم به تو سلام نمی کنند در کوچه و بازار، حضرت می فرمایند نه تنها به من سلام نمی کنند بلکه وقتی من با آنها سلام می کنم جواب سلامم را نمی دهند."

ان شالله این مطالب که خیلی مختصر بود خیلی خلاصه بود در مظلومیت حضرت علی واقعاً سخن قلم کتاب شرح خطابه همه اینها ناتوانند، یه خدمت بسیار کوچک یک انجام وظیفه بسیار کوچک بود در این مسیر که فقط شناختی داشته باشیم نسبت به مظلومیت حضرت علی علیه السلام ان شالله که مقبول و مفید واقع بشه.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم